



---

# گونه‌ها و انواع

## واو


---





# واو پیوند ( ربط )



واو ربط ، پیوندی هم‌پایه ساز است که بین دو جمله می‌آید و آن‌ها را به هم ربط می‌دهد. 

**مثال :** ■ من به کتاب فروشی رفتم و کتاب خریدم



■ آمدند و کردند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند. (تاریخ جهان‌گشای

جوینی در توصیف حمله‌ی مغولان به ایران)

■ **واو ربط، در لف و نشر نیز بکار می‌رود :** برید و درید و شکست و بیست /

یلان را سر سینه و پا و دست (فردوسی)





# واو کوتاهی ( اختصار / ایجاز )

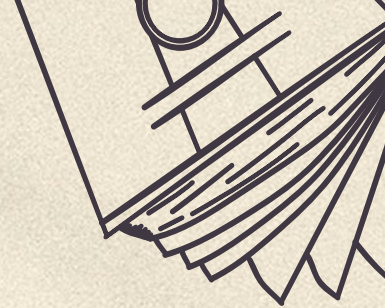
این واو نوعی از واو پیوندی (ربطی) است که به معنای دریافتن / دانستن / فهمیدن و ... بوده و برای حذف فعل جمله بعد می آید.

**مثال :** ■ دیدم و آن چشم دل سیه که تو داری / جانب هیچ آشنا نگاه ندارد (حافظ)  
**یعنی:** دیدم و (دانستم / فهمیدم / دریافتم که) آن چشم سیاهی که تو داری ...






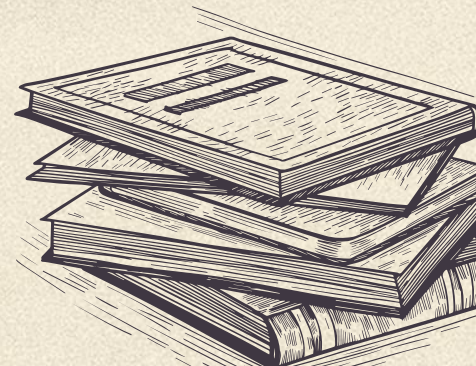
# واو رویارویی (مقابله / تقابل / حرف اضافه)



این واو نیز نوعی از واو پیوندی (ربطی) است که حرف اضافه بوده و به معنای: «در مقابل / در برابر» است. 


**مثال:** ■ عمر برف است و آفتاب تموز (سعدی شیرازی) 

**یعنی:** عمر مانند برف است که در مقابل آفتاب سوزانی (تموز = تیرماه) است.





# واو معاوضه / مبادله

این واو نوعی از واو پیوندی (ربطی) است که معنی معاوضه یا مبادله یک چیز با چیزهای دیگر است. 

**مثال :** ■ دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را (سعدی) 

**یعنی :** همه خوشی های بهشت برای شما ، در برابر آن دوست برای من کافی است.

■ یک جهان و خنده های تو . یعنی جهان را در عوض و به جای خنده های تو می

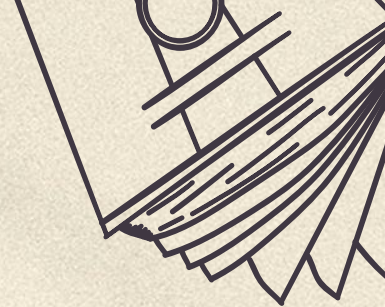
دهم.







# واو ویژه ساز ( تخصصی )

---



نوعی از واو پیوندی (ربطی) است که معنی به ویژه، مخصوصاً را می‌رساند 

 **مثال :** ■ آفریده‌ها را دوست داشته باش و پدر و مادرت را.


**یعنی** به خصوص پدر و مادرت را دوست داشته باش.





# واو تکرار و تأکید ربطی

این واو ، نوعی از واو ربط است که با تکرار فعل ، «واو» ربط نیز برای تأکید، تکرار شده است 

**مثال :** ■ خر برفت و خر برفت و خر برفت (مولوی - مثنوی معنوی - دفتر دوم) 





# واو آغازین



نوعی از واو پیوندی (ربطی) است که گاه در پاسخ کسی می آید.



**مثال :** ■ سلام بر تو باد. و سلام بر تو (سلام علیک. وعلیک السلام).  
گاهی در **آغاز** بیت یا مصرعی می آید. **مثال :** و نترسیم از مرگ... (سهراب)



■ در آشیانه دست پدر، کبوتر بود / ودانه دانه دعا بر لبان مادر بود (ایلیا)

■ گاهی نیز پیش از کلماتی **مثل :** اما، یا و... می آید که به گونه ای حشو است  
**مثال :** واما بعد... **مثالی دیگر :** بالاخره حرف بزنم ویا نزنم







# واو عطف

این نوع واو بین دو کلمه ی دارای نقش یکسان می آید و گویا عاطفه ای بین واژگان ایجاد می کند. البته غیر از فعل. چرا که هر فعل، یک جمله است.

کلمه ای را که قبل از واو عطف می آید، **معطوفٌ علیهِ** و کلمه ای را که بعد از آن می آید، **معطوف** می نامند. **مثال**: حسین و حسن آمدند .





# واو مترادف

---

---



نوعی از واو عطف است که واژه پیش از خود را معنا می کند. 🗨️

مثال: ■ عطا و بخشش 📖✍️





# واو متضاد

---

---

نوعی از واو عطف است که مخالف واژه پیش از خود است. 

**مثال :** ■ دوستی و دشمنی 

■ آمدند و کردند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند. (تاریخ جهان گشای جوینی در

توصیف حمله ی مغولان به ایران)

■ بد و نیک را بذل کن سیم و زر / که این کسب خیر است و آن دفع شر (سعدی - بوستان)

---

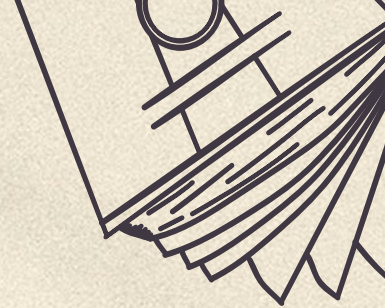
---







# واو تضمن

---



نوعی از واو عطف است که یک واژه در ضمن و جزیی از واژه دیگر است 

**مثال :** ■ زرو نعمت اکنون بده ، کان توست / که بعد از تو بیرون ز فرمان توست. 

(سعدی- بوستان) یعنی زرد در ضمن نعمت و جزیی از آن است







# واو تناسب

---



نوعی از واو عطف است که بین واژگانه تناسب ایجاد می کند. 


**مثال :** ■ ابر و باد و مه و خورشید و فلک درکارند (سعدی) 


---





# واو تکرار و تأکید عطفی

این واو نوعی از واو عطف است که با تکرار کلمه، «واو» عطف نیز برای تأکید، تکرار شده است 


**مثال :** ■ روشنان آسمانی در عبور / نور و نور و نور و نور و نور و نور و نور (مهدی سهیلی) 






# واو یکسانی



واو یکسانی، نوعی از واو عطف است که به معنای یا بوده و برابری را می‌رساند 

**مثال :** ■ عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست / دیگر اکنون با جوانان ناز کن با ما چرا 

( شهریار تبریزی )

**واو در مصرع اول یعنی :** من مهلتی برای امروز ( یا ) فردا کردن تو ، ندارم

■ دیر و زود دارد اما سوخت و سوز ندارد – **یعنی :** ممکن است دیر یا زود انجام شود.

■ **مثالی دیگر :** برد و باخت برای من اهمیتی ندارد ! یعنی : برد یا باخت...





# واو میان وند

---

این واو که نوعی از واو عطف است، بین تکواژهای مشتق – مرکب می آید و یک کلمه

((مرکب – وندی)) می سازد

**مثال :** ■ گفت و گو ، جست و جو ، آموزش و پرورش...

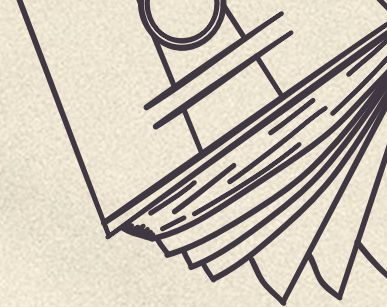







# واوعلیت

---




واو میانه ای است که نوعی از واو عطف بوده و بین دو واژه قرار می گیرد که یکمین واژه را علت و دومین واژه را معلول نامند!


**مثال :** ■ پیری و بیماری- جوانی و تندرستی - ورزش و شادابی 





# واو همراهی (مَعیت)

نوعی از واو عطف بوده که به معنای «همراه با»، «مَعَّ» است و اغلب در شعر مشاهده می شود. 

**مثال :** ■ گفتم من و طالع نگونسارم مسعود سعد سلمان. 

**یعنی:** من همراه با بخت و اقبال نگونسارم / وارونه ام.

■ من و تا ابد این غم جاودانه ( حسین منزوی )

**یعنی:** شاعر به همراه غم جاودانه اش






# واو دوری ( مباحث / استبعاد )



نوعی واو که در جملات بدون فعل برای برجسته کردن پیام می آید و معنای آن «دور بودن» است 

**مثال :** ■ پدر و بدقولی . یعنی اینکه بدقولی از پدر دور است. 


■ من و تنبلی؟! (تنبلی از من دور است) - مؤمن و دروغ؟! (دروغ از مؤمن دور است) -  
امام حسین(ع) وسازش؟! - من و انکار شراب! این چه حکایت باشد. (حافظ)





# واو ضمیر

این نوع واو ترکیبی ، مخفف بوده و بیشتر در شعر (نظم) دیده می شود و مرجع ضمیر را می شناساند. 

**مثال :** ■ "و" ضمیر مخفف " او " : **مثال** : تخفیف کو به جای که او، تخفیف درو به جای در او ، 

تخفیف چنو به جای چون او

■ ورا در شبستان فرستاد شاه / ز هرکس فزون شد ورا پایگاه (فردوسی).





# واو تفریق / واو تفاوت

«واو» تفاوت که آنرا تفریق نیز می نامند! در زبان فارسی کاربردی ندارد و مربوط به ادبیات عرب است و ما تنها اشاره ای کوتاه به آن می کنیم!

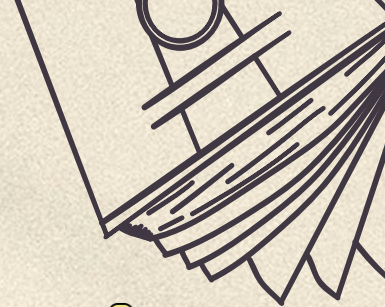
این (واو) همانند (واو) معدوله نوشته می شود اما خوانده نمی شود و برای دو اسم که در نوشتار یکی هستند؛ بکار می رود تا با یکدیگر اشتباه گرفته نشوند

**مثال:** ■ (عُمَر) و (عَمْرُ) که (عَمْرُو) نوشته می شود!






# واو معدوله



یک نوع واو که کاربرد بسیار فراوانی در کتابت فارسی دارد **واو معدوله** است. در تعریف واو معدوله می **توان گفت**: نوعی واو که نوشته می شود ولی خوانده نمی شود و به همین سبب در زبان فارسی در حوزه واج شناسی هنگام نوشتن واج های یک کلمه این نوع واو را به حساب نمی آورند چون صدا ندارد

**مثال**: ■ واو در کلمه خواهر، خوردن، خواهش، خواب، خوار و... که واو معدوله است. 



# واو وندی - اشتقاقی ( نسبت )

واو فراوانی  
( کثرت )

واو تحقیر و  
تصغیر


واو تشابہ و  
تصغیر






# واو ونندی - اشتقاقی ( نسبت )

## واو فراوانی ( کثرت )

واو فراوانی، معنی کثرت (زیاد بودن) را نسبت می دهد که بیشتر معنی تحقیر را می رساند   
اغلب در زبان محاوره یا در نمایشنامه ها و یا در داستان هایی که به زبان محاوره بیان می شود می آید.

 **مثال :** ■ شکمو، نق نقو، ریشو، غرغرو، چاقالو، توپولو، شپشو







# واو وندی - اشتقاقی ( نسبت )

## واو تحقیر و تصغیر

این نوع واو بیشتر در زبان محاوره می آید و نسبت تحقیری و کوچکی را به فردی می رساند. اما در معنای فراوانی چیزی نیست

**مثال :** ■ یارو ، اخمو ، پسررو (پسرک) ، مردرو (مردک) و...





# واو وندی - اشتقاقی ( نسبت )

## واو تشابه و تصغیر

این نوع واو در معنای مثل و مانند است 

**مثال :** ■ گردو، یعنی مثل گردی، دایره ای، گُروی شکل. 





# واو حالیه

---

این نوع واو معنای: «در حالی که / و حال آنکه» می دهد. 

**مثال :** ■ محبوسم و طالع است منحوسم . (مسعود سعد سلمان) 

**یعنی :** زندانی هستم ، در حالی که بخت و اقبالم نحس شده است.






# واو استدراک

---

---

به معنای : ولی، اقا، لکن، لیکن، ولیکن، ولیک 

**مثال :**  دریای اشکم و (اما) تو مرا اینچنین خواه!

■ رفتم و (ولی) او را ندیدم

---

---





# واو جدایی

---



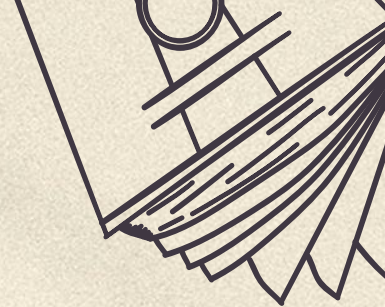
یا از سرگیری (استیناف): کاربرد واو جدایی (استیناف) در عبارات، دقیقاً در برابر (واو) عطف بوده و در جایی آورده می شود که کارش، قطع ارتباط کلامی جمله ی بعد با عبارت قبل از خود می باشد!


**مثال:** ■ وگرنه . وَاِلَّا .






# واو شک و تردید ( تقریبی )



این واو تنها موردی را به طور تقریبی، تخمین می زند. 

**مثال از گلستان سعدی :** ■ به چه کار آیدت ز گل طبعی ؟ از گلستان من ببر ورقی ! 

گل همین پنج روز و شش باشد (واو میان پنج ) و روز و شش ، «واو تردید» است





# واو سوگند (قسم)

■ مثال : ■ واللّٰه



■ سفرت بخیر اما تو و دوستی خدا را ( به خاطر خدا ) / چو از این کویر وحشت به


سلامتی گذشتی / به شکوفه ها به باران برسان سلام ما را (شفیعی کدکنی)

**یعنی:** سفرت به خیر و خوشی اما تو را به دوستی مان سوگند...





# واو حصری

واوی که حصری بین معطوف و معطوفٌ علیه می سازد. 

**مثال :** ■ من و دست و دامان آل رسول (سعدی) 


**یعنی:** من تنها دست به دامان خاندان پیامبر(ص) می شوم.








# واو میانجی

واوی که بین دو مصوت (حرف صدادار) نقش واج میانجی (صامت = بی صدا) را دارد. 

**مثال :** ■ بانوان ، بازوان 

**انواع واج میانجی :** 

ی میانجی **مثل :** دانشجویان

گ میانجی **مثل :** بندگی

ء میانجی **مثل :** نکته ای

ج میانجی **مثل :** سبزیجات

ک میانجی **مثل :** نیاکان، پلکان


و میانجی **مثل :** گیسوان





# واو پایانی

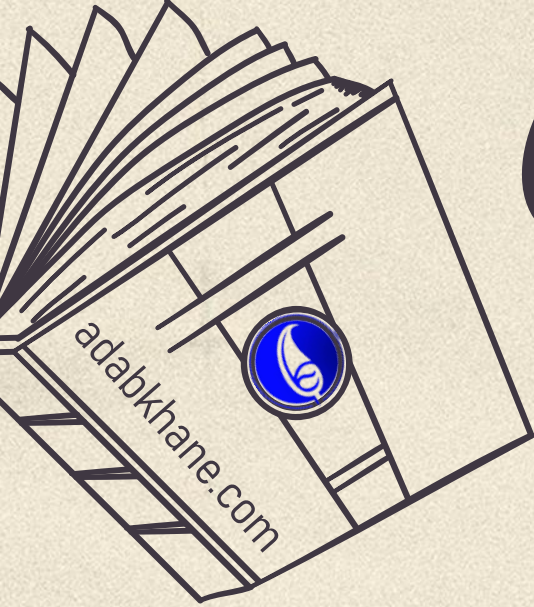


واوی که پایان بخش کلام است. 

**مثال :** ■ والسلام ، وصلى الله على سيدنا و نبينا محمد وآله الطاهرين. 

درود و بدرود.





۹۹ یان ۶۶  
پت



## گروه دانشوران

دکتر علیاری - صادق خیری - محمد جواد برخوردار

زیر نظر دکتر ایلیا ( حسین محمدی مبارز )

